



The central theme and research problem in the oral history of the sacred defense"

Arezo Heidari

Humanities and Social Sciences Department of History Guest lecturer, University of Mazandaran, Mazandaran, Iran

Abstract: The study of war as a social phenomenon, encompassing actions, effects, and consequences, has long captivated scholars. Oral history serves as a valuable scientific method to explore the subject, especially in the context of the Iran-Iraq 8-Year War. Distinguished by its ideological aspect as the "Sacred Defense," this war presents a unique research opportunity for historians. Thus, this essay employs a descriptive and library-based approach to examine the "central theme and research problem" as a key foundation for investigating the oral history of the war. By adopting this approach, the research aims to uncover new collective interpretations of the past, avoiding mere retelling and reconstruction. Analyzing documents, memories, and diverse narratives allows for cognitive and analytical perspectives. The study seeks to present novel scientific themes through basic, developmental, and applied research, contributing to a comprehensive understanding of the war's impact on Iranian society. With a focus on oral history, this research enriches our knowledge of the Iran-Iraq 8-Year War, shedding light on its social aspects and long-lasting consequences. The significance lies not only in historical context but also in the enduring influence on the nation's collective memory and identity. Ultimately, this targeted approach enables a deeper exploration of human experiences amidst conflict and imparts vital lessons from this pivotal historical event.

Key Words: sacred defense, oral history, central theme, research problem

موضوع محوری و مسئله پژوهی در تاریخ شفاهی دفاع مقدس

آرزو حیدری

۱- دکترای زبان و ادبیات فارسی، استاد دانشگاه فرهنگیان اراک، پژوهشگر مطالعات روانشناسی اجتماعی، اراک ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۴/۲۸

چکیده

پدیده اجتماعی جنگ، کنش‌ها، آثار و پیامدهای آن از قلمروهای مطالعاتی شایان توجهی است که ابعاد و زوایای پیدای آن با رویکردها و روش‌های مختلف علمی از جمله شیوه تاریخ شفاهی بررسی و پژوهش می‌شوند. افزون بر ماهیت جنگ و پیامدهای آن، جنبه ایدئولوژیک دفاع مقدس در ایران به عنوان یک ویژگی متمایز از سایر جنگ‌ها، زمینه پژوهشی شایانی را برای پژوهشگران و تاریخ‌نگاران فراهم کرده است؛ از این رو، تعیین و به کارگیری دقیق روش‌ها و ابزارهای پژوهشی برای انجام یک پژوهش هدفمند و نتیجه‌بخش ضروری است. با توجه به روند روبه‌رشد پژوهش‌های تاریخ شفاهی در ایران، در این جستار به روش توصیفی و کتابخانه‌ای رعایت اصل «موضوع محوری و مسئله پژوهی» به عنوان یکی از ارکان تاریخ شفاهی جنگ، بیان و بررسی شده است تا از طریق آن بتوان اسناد، خاطرات، تفسیرهای جمعی جدید از گذشته، روایات مختلف و پراکنده از جنگ را به دور از جنبه‌های بازگویی و بازسازی با رویکردهای شناختی و تحلیلی بررسی کرد و با تولید مضامین علمی جدید از آن سخن گفت و در قالب پژوهش‌های بنیادی، توسعه‌ای و کاربردی عرضه داشت.

واژه‌های کلیدی: دفاع مقدس، تاریخ شفاهی، موضوع محوری، مسئله پژوهی.

بیان مسئله

با اینکه تاریخ شفاهی، علمی نوپدید در ایران است و هنوز در بسیاری از قلمروهای مطالعاتی فرهنگی، سیاسی و اجتماعی به کاربرد آن توجهی نشده است، به نظر می‌رسد تاریخ‌نگاری و پژوهش در موضوع جنگ و پیامدهای ناشی از آن همسویی و همخوانی نزدیکی با این شیوه نشان داده است و به این ترتیب بسیاری از ابعاد و جنبه‌های نکاویده جنگ به مدد آن بررسی شده خواهد شد.

کوشش‌های صورت گرفته در سالیان اخیر از سوی سازمان‌ها و ادارات دولتی در این زمینه، به تولید آثار و دستاوردهای شایان توجهی منجر شده‌اند که محور بیشتر آنها توجه به «شرح و وصف» رویدادها و رخدادها و گاه نگرش‌هاست که از روایات و خاطرات فردی یا جمعی گردآوری شده است؛ همچون کتاب‌هایی که برهه‌های تاریخی انقلاب و جنگ یا زندگی‌نامه اشخاص را بازگو کرده‌اند و به جای روایت خطی با صرف بهره‌مندی از پرسش و پاسخ، آن را در رسته پژوهش‌های تاریخ شفاهی تدوین و چاپ کرده‌اند؛ بی‌آنکه «چیستی یا چگونگی آن رویدادها یا نقش افراد» در بستر فرهنگی و اجتماعی مخصوص و منحصر به فرد خود به روایت درآمده باشد. در صورتی که براساس شیوه تاریخ شفاهی با گزینش «موضوعی که برآمده از پرسش و مسئله»، می‌توان با رویکرد علمی و استفاده از «روایات فردی و خاطرات خصوصی افراد درباره یک رویداد» به‌مثابه «داده‌های پژوهش» درباره آن رویداد نوشت و از آن سخن گفت. بررسی این آثار، ضرورت به‌کارگیری شیوه علمی و روشمند پژوهش تاریخ شفاهی را بیش از پیش ایجاب می‌کند تا مرز میان تاریخ شفاهی با خاطره شفاهی و خاطره‌نگاری آشکار شود؛ به طوری که روایات پیوستار شکل‌گیری یا تأثیر و تأثر رویدادها را نشان دهند.

پیشینه و روش تحقیق

با توجه به آغاز تاریخ شفاهی در قرن بیستم، تاکنون مقالات و کتاب‌های بسیاری درباره معرفی روش و شیوه

پژوهش تاریخ شفاهی انتشار یافته و در ایران نیز به‌طور رسمی از سال ۱۳۷۲ (نیک‌نفس، ۱۳۸۳: ۴ و ۵) مطالبی درباره شیوه پژوهشی تاریخ شفاهی و نیز آثاری بدین شیوه تولید و منتشر شده است. همچنین، مقالاتی مرتبط با راهنما یا شیوه‌نامه‌های تاریخ شفاهی با تمرکز بر مصاحبه، آموزش فنون و نحوه انجام آن نگاشته شده است و کمتر، از ضرورت «موضوع‌محوری و بیان مسئله» به‌عنوان یکی از مراحل اصلی این شیوه پژوهشی در تاریخ شفاهی سخن گفته‌اند؛ به مفهومی که به ایده چالش‌گری و به مضامین جدید در تاریخ شفاهی بینجامد. توکلی در «رویکردها و روش‌شناسی تاریخ شفاهی در پژوهش‌های تاریخی» (۱۳۸۷) مبانی و رویکردهای تاریخ شفاهی و کارکردهای اساسی آن را برشمرده و روش کیفی را در روش‌شناسی تاریخ شفاهی مطرح کرده است. همچنین، صفری در مقاله «روش پژوهش در تاریخ شفاهی» (۱۳۹۹) به ضرورت تدوین طرح تاریخ شفاهی همچون پورپزال دانشگاهی به‌عنوان یکی از الزامات مهم تاریخ شفاهی و حتی پایه‌ای‌ترین و مبنایی‌ترین آن اشاره کرده و علاقه‌مندی به موضوع، فراهم‌بودن امکان پژوهش در آن و تناسب موضوع با مهارت‌های پژوهشی محقق را به‌عنوان مهم‌ترین نکات در انتخاب موضوع و همچنین، توجه به نکاتی چون توضیح دقیق مسئله علمی، توجه به اهمیت پرسش‌های «توصیفی و تحلیلی/علی و دلی» را در بیان مسئله پژوهش برشمرده است؛ اما در پژوهش‌های تاریخ شفاهی جنگ مرادی و رجب‌پور در «اهمیت و مؤلفه‌های تاریخ‌نگاری شفاهی دفاع مقدس» (۱۳۹۷) به‌طور مختصر از موضوع‌یابی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های تاریخ‌نگاری شفاهی یاد کرده‌اند که اگر مسئله موضوع‌یابی و روش‌شناسی معارف دفاع مقدس و جنگ درست و علمی انتخاب و تدوین شوند، قادر خواهیم بود با نوآوری در موضوعات، مسیر پژوهش‌های خود را به شکلی منسجم و پیوسته و علمی دنبال کنیم و از آفت شتاب‌زدگی، پراکندگی و تکراری‌بودن دور بمانیم.

در این مقاله به روش توصیفی و کتابخانه‌ای، رعایت

در فرایند پژوهش تاریخ شفاهی جنگ، در کنار اسناد و مدارکی به عنوان داده در شکل های مختلف فیلم، عکس، صوت، نامه ها، متون چاپی و دست نویس، می توان از خاطرات و روایات هم نام برد. به این ترتیب، «خاطرات» یکی از انواع اسناد و مدارکی هستند که در فرایند پژوهش های تاریخ شفاهی به تکمیل طرح کمک می کنند.

بیان تفاوت خاطره و تاریخ شفاهی، هدف اصلی این جستار نیست و پیش از این در این باره به تفصیل سخن گفته اند. موضوع اصلی این مقاله، گفت و گو درباره اجرای دقیق تاریخ شفاهی (با تأکید بر تاریخ شفاهی دفاع مقدس) به عنوان یک شیوه پژوهشی است و در نظر نگارنده، گامی هایی که به تازگی برخی سازمان ها و ادارات در زمینه تاریخ شفاهی جنگ برداشته اند، با شیوه علمی آن فاصله دارد و این آثار تولیدی را می توان در حوزه خاطره نگاری ثبت و ضبط کرد یا به عنوان مواد و داده هایی در نظر گرفت که بعدها پژوهشگران در نگارش موضوعات تاریخ شفاهی از آن استفاده کنند. برخی از این آثار منتشر شده، فاقد معیارهای علمی تاریخ شفاهی بوده اند و بیشتر با تأکید بر مصاحبه که یکی از ابزارهای این شیوه پژوهشی است، در قالب و شکل تاریخ شفاهی عرضه شده اند.

گذر از سه دهه و اندی از دوره جنگ، با تمام کوشش هایی که در ابعاد گوناگون این پدیده اجتماعی از برگزاری جشنواره های فرهنگی و هنری، تولیدات سینمایی، مراسم یادبود، ساخت موزه ها و دیگر امور تبلیغاتی با ایدئولوژی «دفاع مقدس» صورت گرفته است، جای خالی پژوهش های علمی مبتنی بر رویکردهای فرهنگی، اجتماعی، روان شناختی، جامعه شناختی جنگ را بیش از پیش معلوم می دارد. بیم از دست دادن شاهدان عینی و زوال حافظه ها و یادها از سویی و بیم تغییر نسل و تطور زمان از سوی دیگر این امر را ضروری می نماید. در این میان، شاهد توجه اشخاص حقیقی و حقوقی در ایجاد موج و حرکت فرهنگی ثبت خاطرات و زندگی نامه شهدا، جانبازان و فرماندهان و نگارش رمان و مجموعه داستان های کوتاه مرتبط بوده ایم؛ حرکتی جدی که در

اصل «موضوع محوری و مسئله پژوهی» به عنوان یکی از ارکان تاریخ شفاهی بیان و بررسیده می شود.

موضوع محوری و مسئله پژوهشی

طبق تعریف آمده در دانشنامه کمبریج، تاریخ شفاهی «اطلاعات مربوط به یک رویداد تاریخی یا دوره ای است که افرادی که آن را تجربه کرده اند، به شما می گویند»^۱ و نیز نیز تعریف آن در کتابخانه دانشگاهی «تاریخ شفاهی روشی برای انجام تحقیقات تاریخی از طریق مصاحبه های ضبط شده بین یک راوی با تجربه شخصی از رویدادهای مهم تاریخی و یک مصاحبه کننده آگاه با هدف افزودن به پرونده تاریخی است»^۲. همین نکته، مرز میان تاریخ شفاهی و خاطره نگاری است. «تاریخ شفاهی در واقع گفت و گویی قاعده مند و آگاهانه بین دو نفر درباره ابعادی از وقایع گذشته است که از نظر هر دوی آنها دارای اهمیت تاریخی است و برای تبدیل به سند و ماندگاری آن ضبط و ثبت می شود» (شوپس، ۲۰۱۹: ۲) که در آن «رویداد یا مسئله ای خاص» به عنوان موضوع محوری پژوهش جای می گیرد؛ ولی خاطره با محوریت «شخص» و فرد درگیر حادثه، گفته یا نگاه شده می شود. نکته ای که به نظر می رسد در برخی پژوهش های تاریخ شفاهی مربوط به «جنگ تحمیلی عراق بر ضد ایران» در کشورمان کمتر به آن توجه شده و تاریخ شفاهی را در حد ثبت خاطرات یا ثبت روایت های مختلف از رویدادها تقلیل داده است؛ در صورتی که «تاریخ شفاهی زیرمجموعه علم تاریخ محسوب می شود و اساس تدوین طرح آن نیز همچون طرح پژوهش تاریخی در نظر گرفته شده و مبتنی بر اصول و قواعد پژوهشی است» (صفری، ۱۳۹۹: بش). یافته ها و پژوهش هایی این چنین «در حوزه هایی از تاریخ که شواهد و مدارک مستند اندک است یا با تمایلات و گرایش های یک جانبه نوشته شده است، می تواند به بسط و گسترش دانش تاریخی کمک کند» (سازمان اسناد و مدارک دفاع مقدس، ۱۳۹۶: ۱۸).

¹ www.dictionary.cambridge.org/dictionary/british/oral-history

² <https://guides.library.ucsc.edu/oralhist/> (What is Oral History?)

مختلف را چنان به هم پیوند می‌دهد که گویی در یکدیگر تنیده شده‌اند. همچنین، تاریخ‌نگار شفاهی خلأها را با تحلیل‌ها، تفسیرها و تبیین‌های خود پر می‌کند تا مجموعه‌ای منسجم، منطقی و فهم‌پذیر پدید آید و بخشی از تاریخ روشن شود» (ملایی توانی، ۱۳۸۹: ۱۳۶).

با اتکا به نمونه آثار تولیدشده، در حال حاضر تاریخچه زندگی، خاطره‌نگاری و زندگی‌نامه‌های خودنوشت و دیگرنوشت که از شرح کودکی و دوران انقلاب شروع شده‌اند و به برهه جنگ و پس از آن ختم می‌شوند، مهم‌ترین محور و عرصه تاریخ شفاهی جنگ در ایران‌اند. برخی از این تلاش‌ها بدون طرح پژوهشی و مبتنی بر انگاشت‌های فردی از تاریخ شفاهی انجام شده‌اند و در ضبط و ثبت خاطرات فعالان انقلابی و افراد برجسته در بازه زمانی دهه ۴۰ و ۵۰ و به‌ویژه ثبت و انتشار خاطرات فرماندهان، جانبازان و رزم‌آوران دهه ۶۰ کوشش‌های بسیاری صورت گرفته و دستاوردها به صورت کتاب «تاریخ شفاهی» چاپ شده‌اند. از آنجا که تمام این آثار بر محور «فرد» و «مرور زندگی شخصی» آنها استوارند، در ژانر خاطره‌نگاری جای می‌گیرند و نسبت به تاریخ شفاهی به‌منزله آرشیو و منابع پژوهشی قلمداد می‌شوند و برای اینکه به تاریخ شفاهی تبدیل شوند، باید در چارچوب شیوه پژوهشی آن قرار گیرند که نخستین اصل آن «موضوع‌محوری و مسئله‌گزینی» است.

زمینه پژوهشی جنگ و دفاع مقدس، میدان گسترده‌ای است که موضوع‌های گوناگونی در آن قابل پژوهش‌اند. «بی‌تردید مهم‌ترین و اصلی‌ترین کار پژوهشگر، انتخاب یک موضوع و توجه به معیارها و ملاک‌هایی است که در ارتباط با آن موضوع باید در نظر داشته باشد» (منادی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۱). «موضوع‌محوری» و «داشتن نقطه کانونی» که شناساننده یک تجربه اجتماعی خاص است، نخستین گام علمی به‌سوی تاریخ شفاهی است. انتخاب درست و آگاهانه موضوع، پایه و پیش‌نیاز یک تحقیق نتیجه‌بخش است و شاکله نخستین آن در پی چرایی آغازین و درنگ ذهنی در فراروند کاوش و مطالعه شکل

کانون دغدغه‌مندی‌های ملی شکل گرفته است که هرچند در جای خود بس بایسته و ارزشمند است، بسنده نیست؛ زیرا «تجربه جنگی اصلی، تنها تجربه تعیین‌کننده نیست و مصاحبه‌هایی که بر تجربیات رزمی متمرکزند، مفهوم بسیار محدودی از جنگ را منعکس می‌کنند؛ یادآوری جنگ اغلب یک تجربه جمعی است و تاریخ شفاهی با زمینه‌سازی تجربه فردی در روایت جنگ، بافتی به آن روایت‌های جمعی می‌افزاید» (Megan Hutching, 2010).

روی سخن این مقاله با کوشش‌هایی است که در چند سال اخیر با نام «تاریخ شفاهی» جنگ تولید شده است؛ ولی از اصول خاطره‌نویسی پا فراتر نگذاشته و به فرض آشنایی با تاریخ شفاهی در مرحله مصاحبه، متوقف شده‌اند یا از تعریف و شیوه پژوهشی تاریخ شفاهی برداشت دیگری دارند. این گروه تولیدات اگرچه با عنوان تاریخ شفاهی راهی بازار شده‌اند، پیش از آنکه تاریخ شفاهی باشند، در رسته خاطره‌نگاری و زندگی‌نامه‌نویسی قرار دارند و بی‌تردید از آسیب‌هایی مصلحت‌اندیشی، سکوت عمدی و خودسانسوری‌ها خالی نیستند و به‌طور کامل در خدمت کارکردهای تاریخ شفاهی قرار نمی‌گیرند؛ چه اینکه افراد در بازگویی روایات و خاطرات خود دخالت فعال دارند؛ از این رو، داشتن موضوع سبب می‌شود پرسش‌های پژوهش چپستی، چگونگی یا چرایی‌ها را واکاوی کنند و اطلاعات به‌طور هدفمند در جهت پاسخ به مسئله پژوهش سازماندهی شوند. هدف خاطره‌نگاری‌ها در مرتبه نخست، ثبت و ماندگاری رویدادها در تاریخ و دیگر آشنایی و افزایش درک و آگاهی مردم از پیشامدهاست؛ اما قلمرو مفهومی تاریخ شفاهی که مدنظر این جستار است، همان قلمرو ارزیابی، سنجش و مقایسه گفته‌ها، شنیده‌ها با مدارک و مستندات دیگر است که همین اصل، اعتمادپذیری به یافته‌های پژوهشگر را امکان‌پذیر می‌کند و در اثنای آن می‌توان به مضامینی بس مهم و ارزشمند دست یافت. «تاریخ‌نگار شفاهی در نگاه کاربردی مورخان با حضور مؤثر در متن کار، میان رخدادهای موضوع، بررسی و بین آنها روابط علی و معلولی برقرار می‌کند و روایت‌های

مسئله‌دار بودن موضوع تحقیق، مهم‌ترین نکته‌ای است که به محقق تاریخ کمک می‌کند هم گذشته را زنده و با افق گفتمانی زمان حال ببیند و هم قادر باشد با درک بین‌رشته‌ای به گذشته بپردازد و دغدغه‌های مدنظر خویش را کارآمدتر بررسی کند» (رضوی، ۱۳۸۸: ۲). گرچه مسئله تعدادی سؤال را در بر می‌گیرد، چیزی فراتر از یک یا چند سؤال است (مرتون، ۱۹۵۹: ۱۸)؛ زیرا معنای واژه «مسئله» و واژه «سؤال» یکی نیست. مسئله از اشراف، شناخت و آگاهی نسبت به یک موضوع ایجاد می‌شود و به مشکلات و معضلاتی دلالت دارد که به دلایل مختلف برای محقق حائز اهمیت می‌شوند و سؤالاتی درباره آنها پرسیده می‌شود. افزون بر این، مسئله چیزی فراتر از «موضوع انتخاب‌شده برای یک تز» است و به مجموعه‌ای از فعالیت‌های علمی یک دانشمند اشاره دارد که در طول زمان حول امور خاصی سامان یافته باشد (زیمن، ۱۹۸۷: ۱۸؛ به نقل از میره بیگی، ۱۳۹۵: ۱۲۷).

انتخاب موضوع پژوهش، برخلاف خاطره‌نگاری و روایات شفاهی، هدفمندی و مستندسازی را در پی دارد. به دنبال انتخاب موضوع و طرح سؤال در ذهن پژوهشگر، چشم‌انداز و هدف تحقیق نیز تعریف می‌شود. به عبارتی، گزینش علمی موضوع، جهت‌گیری هدف تحقیق را نشان می‌دهد. اگر هدف، بدون جهت‌گیری و فقط بیان یک واقعیت باشد، فاقد ارزش پژوهشی است و پاسخگوی انتظارات و مقاصد طرح نخواهد بود. «اکتشاف، توصیف، تبیین، فهم، پیش‌بینی، تغییر، ارزشیابی و برآورد تأثیر» از جمله اهداف هر پژوهش علمی به‌شمار می‌روند (بلیکی به نقل از رضی، ۱۳۹۹: ۱۲).

اگر تاریخ شفاهی دفاع مقدس از انحصار خط‌مقدم و جبهه‌های نبرد درآورده شود، هرچند هنوز در آن زمینه نیز به قدر کفایت موضوع‌گزینی و تاریخ‌نگاری نشده و رویدادها و دقایق بسیاری از آن قلمرو برای کاوش و پژوهش باقی مانده است و همچنین، اگر دستاوردهای خاطره‌نگاری و زندگی‌نامه‌های سالیان اخیر به‌عنوان داده‌های پژوهشی تاریخ شفاهی از نظر گذرانیده شوند،

می‌گیرد و مانند هر پژوهشی نیاز به بیان مسئله دارد. «پرسش‌های آغازین نه‌تنها به موضوع ختم می‌شوند، پرسش اصلی پژوهش و بیان مسئله نیز محسوب می‌شوند» (منادی؛ ۱۳۹۴: ۲۷). به بیان دیگر، یافتن یک موضوع پژوهشی مطلوب و نتیجه‌مند اغلب کاری دشوار است و نیازمند مطالعه، آگاهی و چیرگی کافی پژوهشگر بر حوزه یا زمینه مطالعاتی است؛ یعنی پژوهشگر از آن اطلاعات قبلی داشته و از نقاط قوت و ضعف آن آگاه باشد و این‌گونه است که در ذهن او پرسش ایجاد می‌شود؛ از این رو، حُسْنُ السُّؤَالِ رَا نِصْفُ الْعِلْمِ دانسته‌اند.

نکته بعد، تعیین محدوده موضوع است. موضوعات نتیجه‌بخش باید دامنه محدود و مشخصی داشته باشند؛ به طوری که نه بسیار جزئی و نه پردامنه و وسیع باشند. موضوعات جزئی و پیش‌پافتاده سبب بی‌اعتباری و موضوعات کلی و پردامنه سبب سطحی و کم‌عمق شدن تحقیق می‌شوند.

«موضوع پژوهش به سه روش سفارشی، مونتاژ (سر هم کردن) و دل‌مشغولی انتخاب می‌شود. روش سوم که برخاسته از تفکر و روحیه پرسشگرانه محقق است، به مراتب بهتر از روش‌های دیگر است و موجب اشراف و تسلط کامل وی بدان خواهد شد و نتیجه پژوهش هم می‌تواند گره‌گشای مشکلی از مشکلات جامعه باشد» (منادی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۲). به بیان دیگر، داشتن دغدغه و مسئله، یکی از ضرورت‌های انتخاب موضوع و «رکن اصلی هر پژوهش علمی به‌شمار می‌رود و اهمیت هر تحقیق تا اندازه‌ای به نوع مسئله تحقیق و حل آن با استفاده از پژوهش روشمند وابسته است» (رضی، ۱۳۹۹: ۲۹).

گاهی مسئله پژوهش برخاسته از فقدان، کمبود، موانع یا نیازهای فرهنگی، اجتماعی و ... در جامعه است. «موضوع انتخابی می‌باید از سر دغدغه برخاسته باشد و در راستای طرح یا پاسخ‌گویی به یکی از نیازها و مشکلات پژوهشی یا فراتر از آن نیازهای ساختاری جامعه بررسی شود. می‌توان این مهم‌ترین ویژگی موضوع را با آنچه از آن با عنوان مسئله‌دار بودن موضوع می‌نامند، یکی دانست.

اینجا آغاز می‌شود. «مصاحبه‌های تاریخ شفاهی تجربیات نادیده گرفته شده از مردم عادی گرفتار در جنگ و نیز طیف وسیعی از واکنش‌هایی برانگیخته از جنبه‌های مختلف جنگ را روشن می‌کند» (Megan Hutching, 2010^۳); بنابراین، زمانی که فرار است در فرایند مصاحبه، افراد هر آنچه می‌دانند بگویند تا همه خاطرات آنان قبل از فنا و فراموشی ثبت و نگهداری شود، این اقدام، در عین ارزشمندی تاریخ شفاهی، به معنای علمی آن نیست؛ بلکه خاطره‌نگاری و گردآوری داده‌های اولیه برای تولید تاریخ شفاهی است. اینکه مصاحبه‌کننده با چه هدفی و برای تکمیل مستندات و مدارک چه موضوع و رویدادی، تصمیم به گردآوری خاطرات و سخنان افراد خاصی گرفته است، لازمه این شیوه پژوهشی است.

طرح پرسش برای گفت‌وگو، بدون پیش‌آگاهی، شناخت قبلی یا مطالعه کافی درباره موضوع امکان‌پذیر نیست و پرسش‌ها به این سبب طرح می‌شوند که شکاف‌ها، کاستی‌ها، تداخل‌ها و تعارض‌ها را برطرف کنند؛ از این رو، مصاحبه فعال و دیالکتیک، اصلی‌ترین ابزار پژوهشی در تاریخ شفاهی است. پژوهشگر، آن قسمت از خاطرات انباشته شده در حافظه فردی مصاحبه‌شوندگان را گزینش می‌کند که متناسب با مسئله پژوهش خود می‌باشد. «مصاحبه‌ها همچنین غالباً تمرینی برای احیای تاریخی‌اند، تلاش‌هایی برای تلنگرزدن به حافظه جمعی و تجدید حیات یک موضوع یا واقعه، دقیقاً در برهه‌ای که در حال محوشدن از ذهن مردم است» (شوپس، ۲۰۱۹: ۱۱). در واقع در تاریخ شفاهی، تاریخ اولویت دارد و در خاطره‌نگاری افراد و زمانی که خاطره در خدمت تاریخ شفاهی قرار گیرد، کارکرد شخصی آن تغییر می‌کند و جنبه اجتماعی می‌یابد و رابطه افراد با وقایع مهم اجتماعی، کشف، ابهام‌ها و دوگانگی‌ها رفع و فهم و تفسیر تازه‌ای از یک جریان دریافت می‌شود. در این میان، مصاحبه‌کننده با تکیه بر

افزون بر اینها، طیفی از تجربه‌های شنیدنی و پژوهیدنی مرتبط با جنگ را می‌توان در خاطرات بازگوشده و نشده اقشار خاموش جامعه جست‌وجو کرد که نمایی جدید برای مطالعات تاریخ شفاهی به‌شمار می‌رود؛ به‌طور مثال، موضوع «جنگ‌زدگان مهاجر، مسائل فرهنگی و همبستگی اجتماعی، مسائل شهرهای مهاجرپذیر، تغییر بافت شهروندی و شهرنشینی پساجنگ، تأثیر و تأثرات مذهبی و فرهنگی» یا موضوع «میزبانی روستاها و مدارس روستاها در برابر پناهجویان شهری»، «مسائل شاغلان و فعالان اجتماعی؛ آموزگاران و دانش‌آموزان، پرستاران، پزشکان و ...»، «مسائل شهرهای مرزی»، «تبیین مسائل جنگ و رویکردهای تدافعی در جبهه‌های جنوب، شمال غرب و غرب» که هر یک تجربه‌های ناگفته و جدیدی از دوران جنگ دارند و نیز خاطرات کارمندان و مدیران برخی کارخانه‌ها، ادارات و صنایع دفاعی که تجربه نزدیک‌تر و دیگری از جنگ درک کرده‌اند، دریچه‌های نوینی از ابعاد اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناسی جنگ پژوهی را در افق دید محققان قرار می‌دهند.

از معیارها و شرایط انتخاب موضوع می‌توان به قابلیت پژوهش بودن، «عملی و شدنی بودن، بدیهی نبودن، قابلیت حل کردن مسئله و مشکل» (منادی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۵)، قابلیت تطبیق با علوم روز جامعه، داشتن تازگی، علمی و طرح‌شدنی بودن در محافل دانشگاهی اشاره کرد.

در گام‌های بعدی، پژوهشگر تاریخ شفاهی جنگ با تمرکز بر موضوع کانونی و رویدادی - که از اهمیت تاریخی برخوردار است - به طرح پرسش‌هایی برای مصاحبه با شاهدان می‌اندیشد که ابعاد و زوایای نکاویده موضوع مدنظر را بر او آشکار کند. او سررشته تحقیقات خود را از مدارک و اسناد موجود، آغاز و در این باره فرضیه‌هایی را در ذهن خود آماده کرده است و بر همین اساس، پرسش‌هایی را طرح می‌کند که چارچوب فکری مصاحبه را شکل می‌دهد و جهت آن را مشخص و با جست‌وجو در میان خاطره‌نگاشت‌ها و مصاحبه با شاهدان عینی، آن را تکمیل می‌کند. در واقع گام سوم پژوهش از

۳. مگان هاچینگ، مورخ شفاهی مستقل در اوکلند نیوزلند است. او تعدادی کتاب از جمله: مجموعه‌ای شش جلدی درباره نیوزلندی‌ها در جنگ جهانی دوم با استفاده از مصاحبه‌های تاریخ شفاهی منتشر کرده است.

اجتماعی جنگ همچنان در پس پرده است و هنوز به بررسی جنگ از نظرگاه‌های علمی توجهی نشده است. گویی اقبال ساکت و آسیب‌دیده از جنگ، زنان، کودکان، سالخورده‌گان، دانش‌آموزان، آموزگاران، پزشکان، امدادگران، شاغلان در کارخانه‌ها و ادارات، شهرها، روستاها، موضوعاتی چون بمباران‌ها، بناهای تاریخی، جنگ و مدارس، جنگ و آموزش و پرورش، جنگ و دانشگاه، جنگ و مساجد و ... مسائل اجتماعی پنهان بعد از آن و صدها موضوع دیگر با رویکردهای گوناگون تحقیقاتی، آن‌طور که باید، در جلوی چشم پژوهشگران قرار نگرفته است. به نظر می‌رسد جدا از علاقه‌مندی شخصی و خلاقیت پژوهشگران، تعیین اهداف، اولویت‌بندی و تصمیم‌سازی برای شناسایی موضوعات قابل پژوهش در حوزه تاریخ شفاهی، ضروری و از وظایف سازمان‌های متولی است. پراکندگی کوشش‌های تحقیقاتی در زمینه جنگ از سوی اشخاص حقیقی و نهادهایی دولتی به‌طور ایجابی، هم‌زمان و با شیوه‌های متفاوت، فاصله‌داشتن آثار تولیدی با استانداردهای نگارشی و پژوهشی، نبود نظارت، ارزیابی و سنجش آثار و هدررفت سرمایه به‌واسطه تولید و انتشار آثار نازل و سرانجام، نبود یک مرکز واحد برای ساماندهی تمامی اقدامات علمی و تحقیقاتی در زمینه تاریخ شفاهی جنگ از جمله مشکلات پیش روست.

کتابنامه

- نیک‌نفس، شفیقه، (۱۳۸۳)، «درباره تاریخ شفاهی»، گنجینه اسناد پاییز، شماره ۵۵.
- نورایی، مرتضی و ابوالحسنی ترقی، مهدی، (۱۳۸۹)، «مقایسه تحلیلی خاطره‌نگاری با تاریخ شفاهی»، گنجینه اسناد، زمستان، شماره ۸۰.
- کمری، علیرضا، (۱۳۸۳)، با یاد خاطره (ج ۱): درآمدی بر خاطره‌نویسی و خاطره‌نگاشت‌های پارسی در تاریخ ایران، تهران: سوره مهر.
- رضوی، سید ابوالفضل، (۱۳۸۸)، «نقد منبع در تاریخ: چیستی و چگونگی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا خرداد،

همان موضوع کانونی و نگرش مسئله‌یابی، ابتدا به دنبال یافتن شواهد و مدارکی است که در اسناد اولیه و یافته‌های قبلی دیده نشده است. همچنین، او سخنان خاطره‌گو را با مدارک و مستندات دیگر می‌سنجد تا تناقضات و تداخل‌خاطرات، اشتباه در تاریخ و زمان رویدادها، به خود نسبت دادن حوادث، تقدس‌مآبی، تحریف و دستکاری را برطرف کند؛ آسیب‌هایی که جزئی از ماهیت خاطره‌نگاری و خاطره شفاهی هستند و در روند شیوه علمی تاریخ شفاهی برطرف می‌شوند.

براساس مطالب پیش‌گفته، پژوهش‌های تاریخ شفاهی دفاع مقدس در پی پاسخ به «چیستی»، «چگونگی» و «چرایی» درباره یک شخص، مکان، برهه یا بازه زمانی معین، یک نبرد یا عملیات، یک رویداد و حتی یک تصمیم یا یک نتیجه و ... است که در «موضوع یا مسئله» پژوهش عینیت می‌یابد نه در بازگویی و بازسازی صرف آن واقعیات. به بیان دیگر، هدف تاریخ شفاهی جنگ، دستیابی صرف به اطلاعات و منابع نیست؛ بلکه به دنبال چالش‌گری مفروضات و تفسیر و تحلیل‌های جدید است. در فرایند تحقیق با ابزارهایی همچون مشاهده، مطالعه و مصاحبه می‌توان به انبوهی از اسناد، داده‌ها، روایت‌ها و روابط بینادنی مختلف دست یافت و سپس با بررسی شبکه روابط علی و معلولی و رویکرد سنجش و مقایسه، آنچه به مسئله پژوهشی پاسخ می‌دهد را به خدمت گرفت. به‌واقع با تعیین سوژه‌های پژوهشی (موضوع و مسئله‌محور) در تاریخ شفاهی می‌توان در سطح جامعه به خدمات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی دست یافت و حتی در جایی محتوا و هدف تاریخ را دگرگون کرد.

نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه پدیده جنگ بر تمام ابعاد و شئون زندگی فردی و اجتماعی مردم تأثیر گذاشته است و برخی آثار آن هنوز ادامه دارد، تعیین موضوعات محوری و مسئله‌یابی برای پژوهش‌های تاریخ شفاهی ضروری به نظر می‌رسد. بررسی جنبه‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناسی

شماره ۱۳۳.

رضی، احمد، (۱۳۹۹)، روش‌ها و مهارت‌های تحقیق در ادبیات و مرجع‌شناسی [ویراست دوم]، تهران: فاطمی. سازمان اسناد و مدارک دفاع مقدس، (۱۳۹۶)، شیوه‌نامه تخصصی و کاربردی؛ تاریخ شفاهی دفاع مقدس، تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس، پاییز. شوپس، لیندا، (۲۰۱۹)، تاریخ شفاهی، مترجم: علی فتحعلی آشتیانی، پایگاه مطالعات و ادبیات پایداری، ۲۶ صفحه <<http://oral-history.ir.2352>> [دسترسی ۲ مهر ۱۴۰۰].

صفری، سهیلا، (۱۳۹۹)، «روش پژوهش در تاریخ شفاهی (تدوین طرح پژوهشی تاریخ شفاهی)»، تاریخ شفاهی ایران: مرکز مطالعات و تحقیقات فرهنگ و ادب پایداری (تاریخ دسترسی ۱۱ خرداد ۱۴۰۲).

منادی، مرتضی، فاطمه عابدی و لیلا طالب‌زاده شوشتری، (۱۳۹۴)، روش پژوهش کیفی کاربردی در علوم اجتماعی و علوم رفتاری، تهران: جامعه‌شناسان. ملائی توانی، علیرضا، (۱۳۸۹)، «چش اندازهای نو در تاریخ شفاهی ایران با تأکید بر تاریخ نگاری شفاهی، تاری نگری و تاری نگاری»، بهار و تابستان، شماره ۵، صص ۱۲۹ تا ۱۵۴.

میره‌بیگی، وحید، (۱۳۹۵)، «مسئله‌یابی و اهمیت آن تحقیق؛ محدودیت‌ها و راهکارها با تمرکز بر پایان‌نامه‌نویسی و نظریه‌پردازی بومی در جامعه‌شناسی ایران»، فرهنگ رسانه، سال پنجم، پاییز.

Hutching, Megan. (2010). After Action: Oral History and War <<https://www.oxfordhandbooks.com>>. Online Publication Date: Sep 2012.